

نقش اندیشمندان شیعه در پیشرفت علم جغرافیا*

لاله دهقانی تفتی**

چکیده

بررسی روند شکل‌گیری علوم در تمدن اسلامی نشانگر آن است که گرایش مسلمانان به شاخه‌های مختلف علوم بر اساس نیازهای جامعه اسلامی بوده است. جغرافیا از جمله علمی است که از همان اوایل مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و اندیشمندان شیعه ضمن خلق آثاری ارزشمند، نقش مهمی در تکامل و پیشرفت آن ایفا نمودند. تأکید قرآن کریم و توصیه‌های مکرر پیشوایان دین در خصوص لزوم آموزش علم و نیز تشویق مسلمانان به سیر و سیاحت، اندیشه و عبرت‌آموزی از سرنوشت اقوام گذشته را باید مهم‌ترین عوامل توجه شیعیان به علم جغرافیا دانست. همچنین نیازهای روز افزون بازرگانی، سیاسی و مذهبی جوامع اسلامی از جمله انگیزه‌هایی بود که سبب گردید عالمان شیعه به کسب دانش جغرافیا و توسعه آن همت گمارند. این پژوهش بر آن است تا نقش و جایگاه برجسته دانشمندان شیعه را در پیشرفت علم جغرافیا در تمدن اسلامی تا سده ششم هجری نشان دهد.

واژگان کلیدی: علم، جغرافیا، شیعیان، تمدن اسلامی، پیشرفت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۲۵.
** دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی: ldehghanitafti@gmail.com

مقدمه

اصطلاح «جغرافیا» که عنوان کتاب مارینوس صوری (۷۰-۱۳۲م) و نیز تألیف مشهور بطلمیوس قلوذی (۹۰-۱۶۸ م) بود، در دوران نهضت ترجمه و نقل علوم به زبان عربی به «صورة الارض» ترجمه گردید و بعدها عنوان برخی آثار جغرافیایی مسلمانان شد. این اصطلاح نخستین بار در رسائل اخوان الصفا به معنای «نقشه جهان و اقالیم» به کار رفت. مسعودی متوفی ۳۴۵ق نخستین جغرافی‌دانی است که در تعریف جغرافیا اصطلاح «قطع الارض» یعنی در نوردیدن زمین را به کار برد.

توجه و تأکید فراوان قرآن کریم به سیر و سیاحت و اندیشه در سرنوشت اقوام و ملل مختلف (حج/ ۴۵ و مؤمن/ ۸۲) و توصیه پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام در این خصوص و همچنین گسترش بسیار قلمرو حکومت اسلامی و ارتباط مسلمانان با ملل و اقوام و سرزمین‌های جدید، نیاز به تجارت، مسائل سیاسی و مذهبی و آشنایی با علوم سایر ملل از طریق ترجمه آثار و نوشته‌های ایشان، سبب علاقه‌مندی و توجه ویژه مسلمانان به علم جغرافیا گردید. اندیشمندان مسلمان ضمن پیشرفت‌های زیادی که در این زمینه داشتند، نوشته‌ها و رسالات متعددی نیز در موضوعات مختلف جغرافیا با عناوین «کتاب البلدان»، «المسالك و الممالک»، «صورة الارض» و ... از خود به یادگار نهادند که هر یک به نوبه خود از ارزش و اهمیت بسیار برخوردار است.

مسلمانان ضمن آشنایی با علوم سایر ملل خصوصاً پس از ترجمه کتب یونانی، اطلاعات جالب توجهی در زمینه جغرافیا کسب نموده و از مباحثی که در این کتاب‌ها مطرح شده بود، در تألیفات خویش بهره جستند و پس از تحقیقات مفصل، نتایج آن و نیز تجربیات خود را به آن کتاب‌ها افزودند و حتی بسیاری از اشتباهات بطلمیوس را تصحیح کرده و به طرز چشمگیر در زمینه این علم استقلال یافتند (قره چانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ۱۳۹۰: ۸/۱ و ۱۳).

در زمینه نقش عالمان مسلمان در گسترش علم جغرافیا کتاب‌های مستقل کمی مانند «خدمات مسلمانان به جغرافیا» تألیف نفیس احمد یا «علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام» تألیف مقبول احمد نگارش شده است. همچنین مقالاتی نظیر «خدمات جغرافی‌دانان مسلمان به علم جغرافیا» و نقش «جغرافی‌دانان مسلمان ایرانی در توسعه علم جغرافیا» به رشته تحریر درآمده است. اما در هیچ یک از این نوشتارها در عرصه این علم به طور اختصاصی به آثار و خدمات شیعیان پرداخته نشده است.

این پژوهش می‌کوشد با بهره‌گیری از متون جغرافیایی و تاریخی و همچنین مؤلفاتی مانند «الذریعه الی تصانیف الشیعه»، دستاوردهای اندیشمندان شیعه را در علم جغرافیا تا قرن ششم هجری نشان دهد.

۱. علم جغرافیا در اسلام

باتوجه به اینکه همه آثار گسترده مسلمانان در رشته‌های مختلف علوم به لحاظ اهمیت و ارزش علمی یکسان نیست، تعدادی از رشته‌های آن دارای اهمیت و اعتباری بیشتر از قلمرو خاص خویش است. این نکته درباره متون تاریخی و جغرافیایی اسلامی صادق است؛ چرا که در این دو رشته مطالب فراوانی است که نه فقط برای مورخ و جغرافی‌دان، بلکه برای علمای اجتماع و اقتصاد و مورخ ادب و دین نیز قابل استفاده است. مطالب جغرافیای اسلامی مرجع منحصر و معتبر تاریخ دوران خاص یک منطقه است.

جغرافیای اسلامی که در مراحل تکمیلی بر پایه دانش‌های هندی، ایرانی و یونانی شکل گرفت، در آغاز پاسخی بود به نیازهای برخاسته از توسعه قلمرو اسلام. مسلمانان در طول سده‌های اول و دوم هجری کوشش‌هایی برای ترسیم چهره سرزمین‌های مفتوحه یا سرزمین‌هایی که مخالفان بر آن تسلط داشتند، به عمل آورده بودند. مسلمانان در توسعه جغرافیا و کسب دانش آن، انگیزه‌های چندگانه‌ای داشتند. از جمله این انگیزه‌ها تأکید قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ بر وجوب تعلیم و تعلم است. همچنین مشوق مسلمانان برای شناختن زمین و آسمان و سیر و سفر در سرزمین‌هایی بود که نام ساکنان قدیمی آن در قرآن آمده بود. قدیمی‌ترین نویسندگان جغرافیا در اواسط قرن سوم هجری می‌زیسته‌اند و اولین دسته کتابی که اعراب در موضوع جغرافیا نوشته‌اند، به شکل کتب مسالک بوده است. کتب مسالک کتاب‌هایی است که در خصوص راه‌ها، فاصله‌ها، مسافت‌های شهرها و منزلگاه‌هاست و در ضمن از شهرهایی که سر این راه‌ها واقع گردیده‌اند، گفت‌وگو به میان می‌آورد و از تاریخ و خصوصیات آن شهرها کم و بیش اطلاعاتی به دست می‌دهد (لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ۱۳۶۴: ۱۳).

آثار جغرافیایی اسلامی مرکب از سه دسته کتاب است. یک دسته از آن‌ها کتاب‌های اخص جغرافیایی (یعنی شرح حدود و ثغور، عوارض طبیعی، مسافتات و توصیف شهرها، بلاد، کوه‌ها، رودها و دریاچه‌ها) یا جغرافیای توصیفی است که بسیاری از آثار جغرافیایی اولیه اسلامی از این نوع است.

دسته دوم سفرنامه‌هایی است حاوی اطلاعات جغرافیایی مفصل از سرزمین‌هایی که سیاحان مسلمان از آنها گذشته‌اند.

دسته سوم فرهنگ‌نامه‌های جغرافیایی است مشتمل بر فهرست الفبایی مفصل اقالیم، شهرها، روستاها، رودها، کوه‌ها و ... و نویسندگان آنها مجموعه اطلاعات پیشین را با دانسته‌های خود تلفیق کرده و آثار متمایزی از سایر کتاب‌های جغرافیایی گذشته به وجود آورده بودند.

همچنین از منابع دیگر جغرافیایی مسلمانان، کتاب‌های تاریخی معروفی مانند «تاریخ یعقوبی»، «فتوح البلدان»، «تاریخ طبری»، «تاریخ ابن خلدون» و ... می‌باشد که در آنها مطالب جغرافیایی مفصلی یافت می‌شود (ولایتی، نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱۳۹۰: ۱۹۹). به گفته «لاروس» به نقل از «دائرةالمعارف» مصر، هنگامی که خواننده‌ای بخواهد شگفتی دانش جغرافیا را در قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) بنگرد، نباید آن را در اروپا بجوید، بلکه باید مقصود خویش را در نزد مسلمانان طلب کند (ابن فقیه، ترجمه مختصر البلدان، ۱۳۴۹: یازده).

۲. جغرافیا در کانون توجه علمای شیعه

۲-۱. شیعه و جو حاکم

از دیرباز عالمان دین بر اساس مسئولیتی که در خود احساس می‌کردند نسبت به فراگیری و ارزیابی اندیشه‌های نو اهتمام داشتند. عموم دانشوران شیعی برحسب آنچه از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام خود آموخته بودند، به دانش‌های سودمند، جنبه دینی می‌دادند و آنها را اسلامی می‌خواندند. طی سده‌های اول تا ششم که محدوده زمانی این تحقیق است، در غالب ایام و در بیشتر سرزمین‌های اسلامی، شیعیان پیوسته تحت فشار و مورد تعقیب و اذیت و آزار حکومت‌های جور و نیز عمال و دست‌نشانگان ایشان بودند. در موارد بسیاری، عداوت و دشمنی دستگاه حاکم با شیعیان به حدی بود که در موارد بسیاری حتی به گمان شیعه بودن و گرایش فردی به تشیع، اسباب قتل او، خانواده و وابستگان وی فراهم می‌گردید و بسیاری از شیعیان مجبور به تقیه بودند. به دلیل همین شرایط، شیعه و غیرشیعه بودن بسیاری از اندیشمندان این دوره مورد شک و تردید است (دهقانی تفتی، سیر تاریخی علوم طبیعی در میان شیعیان، ۱۳۹۱: ۲۶). در این پژوهش برای سهولت قضاوت یکی از

کلی‌ترین تعاریف در خصوص شیعه که توسط یکی از برجسته‌ترین علمای شیعه یعنی سید مرتضی در «تاج العروس» بیان گردیده، مورد استفاده قرار گرفته است. بنا به تعریف ایشان شیعه یعنی «گروهی که دوستدار عترت و خاندان پیامبر هستند» (سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ق: ۱۱/۲۵۷).

۲-۲. اندیشمندان شیعی علم جغرافیا

نخستین چهره مسلمان در جغرافیا، هشام بن محمد کلبی شیعی است که در اوایل قرن سوم شهرت یافته است (قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، بی تا: ۲۴۵). در منابع زیادی اسم او به عنوان نخستین چهره مسلمان در جغرافیا آمده است. تألیفات او گرچه در دست نیست، اما در کتاب «الفهرست» ابن ندیم نام تعدادی از آنها آمده است؛ مانند «البلدان الکبیر»، «البلدان الصغیر»، «قسمة الارضین» و.. (ابن ندیم، الفهرست، ۱۳۴۶: ۱۶۳). وی قدیمی‌ترین نگارش‌های شناخته شده مسلمانان در موضوع جغرافیا را نوشته است (احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ۱۳۶۷: ۳۰). هشام بن محمد کلبی در عرصه جغرافیای لغوی مقام اول را دارد و این تنها از جهت تقدم زمانی نیست. وی از دوران جاهلیت اطلاعات فراوانی داشته است و کتاب «الاصنام» را که هنوز منبع اساسی آشنایی با دین‌های عرب جاهلیت است و کتاب جمهرة الانساب را نگاشته است. یاقوت درباره او این‌گونه می‌گوید: «هر وقت دانشوران در چیزی از مسائل عرب اختلاف می‌کردند، گفته وی به حجت قوی‌تر بود». مطالب منقول وی در مورد بعضی از شهرهای بیرون جزیره العرب مثل کوفه، رها و... بسیار جالب است. وی در میان لغویان آن عصر و از لحاظ وسعت افق دید یکی از نوادر بوده است (کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۹).

در قرن سوم به دانشمند بزرگی به نام محمد بن موسی خوارزمی برمی‌خوریم. وی در خزانه الحکمه و نزد مأمون به کارهای علمی مشغول بود (ابن ندیم، الفهرست، ۱۳۴۶: ۴۹۳). اثر بزرگ جغرافیایی وی به نام «صورة الارض» اساس علم جغرافیای اسلامی را پایه‌ریزی کرد. نلینو در شایستگی این کتاب خاطر نشان می‌کند که اثری است که هیچ ملت اروپایی نتوانسته است در سرآغاز فعالیت علمی خود نظیر آن را به وجود آورد (احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰). کتاب «صورة الارض» هم از لحاظ متن و هم از لحاظ نقشه‌هایی که ضمیمه آن شده، نسبت به کتاب بطلموس مزایایی دارد (نصر، علم و تمدن در

اسلام، ۱۳۵۰: ۸۹). خوارزمی این کتاب را به صورت «زیج» یعنی جداول نجومی درآورد (کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ۱۳۷۹: ۷۸). وی در فعالیت‌های علمی دوران مأمون سهم داشت و اثر جغرافیایی او بدون تردید با نقشه‌ای که برای مأمون تنظیم و تدوین شده، مربوط بوده است. در رساله خوارزمی با نام‌های جغرافیایی دوره اسلامی و با نام‌های قدیمی دیگر مواجه می‌شویم که بعدها این نام‌ها به سرعت تغییر یافتند (نامعلوم، تعلیقات بر حدود العالم، ۱۳۷۲: ۱۱ و ۱۳).

دانشمند دیگری که در سده سوم در زمینه علم جغرافیا کارهای زیادی انجام داد، ابوزید بلخی است. وی یکی از نخستین مسلمانانی است که به کار نقشه‌کشی پرداخت و بیشتر کار او در کتاب «صور الاقالیم» شامل توضیح نقشه‌ها و جداول جغرافیایی است. وی همچنین کتاب «المسالک و الممالک» را درباره جاده‌ها و مملکت‌ها نوشت (احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ۱۳۶۷: ۳۷). کتاب «صور الاقالیم» اطلسی بوده که پاره‌ای توضیحات همراه داشته است. هدف کتاب ابوزید، نمودار و صورت زمین بود و آن را به بیست قسمت کرد و نمودارها را شرح داد و از بسیاری از شهرهای بزرگ یاد کرد، ولی به ولایت‌ها و ناحیه‌ها نپرداخت (کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ۱۳۷۹: ۱۵۷). اصطخری، جغرافی‌دان معروف، کتاب خود را از روی «صور الاقالیم» ابوزید بلخی تألیف کرده است (اصطخری، مسالک و ممالک، ۱۳۴۷: ۲۲).

یکی دیگر از جغرافی‌نویسان نامدار جهان اسلام احمد بن واضح یعقوبی است که در قرن سوم می‌زیست. یعقوبی را می‌توان پدر علم جغرافیا در میان مسلمانان دانست؛ چرا که آثار او توسط جغرافی‌دانان پس از او بسیار مورد استفاده واقع شده است. آن گونه که از فهرست کتاب‌های یعقوبی برمی‌آید، دست کم سه فقره از کتاب‌های او درباره جغرافیا بوده است که به تعبیری از قدیمی‌ترین کتب بازمانده جغرافیای اسلامی است (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۴۶: ۱۳). یعقوبی به جغرافیا علاقه فراوان داشت. خود در مقدمه کتاب «البلدان» این مسئله را تشریح می‌کند (کارادووو، متفکران اسلام، ۱۳۶۳: ۱۱). این جغرافی‌نویس پرآوازه کتاب «البلدان» را مانند فرهنگ‌های جغرافیایی امروز نوشته است. این کتاب جزئیاتی را درباره اماکن بی‌شمار به دست می‌دهد و در بسیاری جای‌ها کوشش کرده تا واقعیت جغرافیای طبیعی را با توضیح جغرافیای انسانی بسیاری از مناطق بیان کند (احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ۱۳۶۷: ۳۲). همچنین بسیاری از مصنفات تاریخی یعقوبی دارای فصل‌های مهمی در جغرافیاست (یعقوبی، البلدان، ۲۵۳۶: ۱۱).

دیگر جغرافی‌نویس شیعه مذهب و نامدار جهان اسلام، ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی، وزیر معروف نصر بن احمد سامانی است که در قرن چهارم هجری می‌زیسته است. کتاب «المسالک و الممالک» وی یکی از بهترین تألیفات جغرافیایی است که بر اغلب جغرافی‌نویسان بعد از خود تأثیر بسیار گذاشته است. کتاب او در طول زمان مفقود شده و آثار اندکی از آن به جا مانده است (ولایتی، نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱۳۶۰: ۲۱۱ و ۲۱۳). تفاوت کتاب جیهانی با کتب جغرافیایی مکتب کلاسیک این است که با جغرافیای ریاضی ارتباط آشکار دارد. همچنین وی به سرزمین‌های بیگانه نیز پرداخته است (کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ۱۳۷۹: ۱۷۶).

دانشمندان دیگر ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مورخ و جغرافی‌نویس بزرگ مسلمان در نیمه اول قرن چهارم و از نسل عبدالله بن مسعود، صحابی معروف پیامبر اسلام ﷺ است. مسعودی از مشهورترین مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان به شمار می‌آید و آثار برجسته‌ای از او باقی مانده است. وی در جغرافی‌نویسی جایگاهی والا دارد و مستشرق برجسته‌ای همچون کراموس هلندی او را اصیل‌ترین جغرافی‌نویس قرن چهارم دانسته است (همان: ۱۳۸).

کتاب «مروج الذهب و معادن الجواهر» وی مشتمل بر تعداد زیادی از موارد و اطلاعات درباره جغرافیا و زمین‌شناسی است (نصر، علم و تمدن در اسلام، ۱۳۵۰: ۹۰).

ابوریحان بیرونی دانشمند جامع‌الاطراف قرن چهار و پنج هجری در کتاب «ما للهند» وسعت اطلاعات جغرافیایی خود و تأثیر بنیادی عوامل جغرافیایی در امور انسانی را ترسیم کرده است (احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ۱۳۶۷: ۶۵). از جمله خدمات بزرگ ابوریحان، تدوین اصول و ضوابطی است که در فن ترسیم نقشه‌های جغرافیایی از راه ابتکار شخصی به وجود آورده است (صفا، احوال و آثار ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

از دیگر نویسندگانی که در عرصه جغرافیا می‌توان از او نام برد، ناصر خسرو، سیاح نامدار و شاعر آزاده ایرانی سده‌های چهار و پنج هجری است که سفرنامه او یکی از امهات سفرنامه‌های مسلمانان تا زمان خود اوست و شامل اطلاعات بسیار زیاد جغرافیایی است (قبادیانی، سفرنامه ناصر خسرو، ۱۳۴۱: ۲۴).

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن ادریس، ملقب به شریف ادریسی، جغرافی‌نویس و نقشه‌نگار بزرگ مسلمان قرن ششم هجری، از اعقاب ادریسیه مغرب بود که نسب او به امام

حسن علیه السلام می‌رسد. وی مدتی در دربار راجر دوم پادشاه سیسیل می‌زیست و در همان جا به تألیف کتابی درباره جغرافیای مفضل عالم و ترسیم نقشه‌های متعددی از کشورهای دنیا پرداخت. وی کره جغرافیایی نقره‌ای ساخت و آن را به راجر اهدا کرد. کتاب بزرگ جغرافیایی او «نزهةالمشتاق فی احتراق الافاق» نام دارد (کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ۱۳۹۰: ۳۲۷-۳۲۳).

نتیجه

شیعیان طی سده‌های اول تا ششم هجری با توجه به تأکید فراوان قرآن و توصیه‌های پیشوایان دین در خصوص فراگیری دانش، در علوم مختلف از جمله جغرافیا به موقعیت و جایگاه ممتازی نائل شدند. این اندیشمندان در آن عصر نه تنها به عنوان شیعه، بلکه سرآمدان علم جغرافیا در جهان اسلام و در سرتاسر عالم شناخته می‌شدند. تألیف کتاب‌های بزرگ جغرافیایی توسط ایشان تأثیر بسزایی در رشد و توسعه این علم در سده‌های بعدی برجای گذاشته است. عالمانی همچون خوارزمی، یعقوبی، مسعودی و ابوریحان نه تنها در جغرافیا که در علوم بسیاری متبحر بودند و آثار و تألیفات زیادی به جا گذاشتند.

منابع

۱. ابن فقیه، ترجمه مختصر البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، تهران: بانک بازرگانی ایران، ۱۳۶۴.
۳. احمد، نفوس، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به اهتمام ازرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۵. آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، بی تا.
۶. دهقانی تفتی، لاله، «سیر تاریخی علوم طبیعی در میان شیعیان از سده نخست تا ششم هجری» پایان نامه، ۱۳۹۱.
۷. سید مرتضی، علی بن حسین، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۸. صفا، ذبیح الله، احوال و آثار ابوریحان بیرونی، بی جا: چاپخانه رامین، ۱۳۷۶.
۹. قبادیانی، ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، تهران: حبیبی، ۱۳۵۴.
۱۰. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۱۱. قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۱۲. کارادووو، بارون، متفکران اسلام ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۳. کراچکوفسکی، ایگناتی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۴. لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی پژوهشی، ۱۳۶۴.

۱۵. نامعلوم، تعلیقات بر حدود العالم، ترجمه میر حسین شاه، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲.
۱۶. نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۰.
۱۷. ولایتی، علی اکبر، نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۹۰.
۱۸. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر، ۲۵۱۳.
۱۹. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، تصحیح محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.